

درباره‌ی کتاب

به روایت ناصر تقوایی

احمد طالبی نژاد بیش از یک دهه قبل، ساعت‌ها پای گفت‌وگو با ناصر تقوایی فیلمساز کهنه‌کار نشست است. حاصل این گفت‌وگو، کتابی شده که اولین بار در اوایل دهه هفتاد با عنوان «به روایت ناصر تقوایی» منتشر شد. حال مدتی است که این کتاب با مقدمه و ویرایش جدیدی از سوی نشر «زاوش» راهی کتاب‌فروشی‌ها شده و این روزها چاپ دوم آن نیز به اتمام رسیده است. «به روایت ناصر تقوایی» حول محور تحولات سینما و ادبیات معاصر ایران، با نگاه تحلیلی بیان شده است. چاپ دوم کتاب با ویرایش و بازخوانی ناصر تقوایی و همچنین گفت‌وگوی جدیدی با این کارگردان صاحب‌سبک درباره‌ی آخرین اثر سینمایی او «کاغذ بی‌خط» نیز توسط طالبی نژاد به آن افزوده شده است. کتاب حاضر شامل دو بخش است. در بخش نخست، تحولات سینمای ایران به ویژه در کارنامه‌ی تقوایی بر اساس سیر تاریخی تحلیل می‌شود و در بخش دوم که زیر عنوان کلیات آمده است، دیدگاه تقوایی درباره‌ی مسایل و مشکلات سینمای ایران بیان شده است. او در این کتاب اعتراف کرده که ممکن است به خودش آسیب رسانده باشد اما به سینما آسیبی نرسانده، چون فیلم بد نساخته است.

طالبی نژاد در مقدمه‌ی این اثر نوشته است: «تقوایی بیان جذاب و درستی دارد. هر چند نظم بخشیدن به ذهن او اندکی دشوار است. تقوایی از مسایل و نکات بسیاری به عمد نگفته و نگارنده نیز اصرار می‌کند که نگردد. به هر حال ما همه‌ی «فرزندان زمان خویش» هستیم.»

این کتاب در ۲۲۰ صفحه از سوی نشر «زاوش» راهی کتاب‌فروشی‌ها شده است.

به روایت
ناصر تقوایی

احمد طالبی نژاد

گفت‌وگو با احمد طالبی نژاد

به بهانه‌ی انتشار کتاب «به روایت ناصر تقوایی»

من سینما
را حفظ کرده‌ام

احمد طالبی نژاد، نویسنده و منتقد



رافقه رستمی

سینما، متولد شهر نایین و دارای مدرک

کارشناسی ادبیات فارسی است. او

صاحب امتیاز و مدیر مسئول ماهنامه «هفت» بود که

در سال ۱۳۸۶ لغو امتیاز شد. وی همچنین نویسنده‌ی

مجله‌ی «فیلم» بوده و کتاب «به روایت ناصر تقوایی» را

نوشته است. طالبی نژاد تاکنون چند فیلم کوتاه و مستند

نیز کارگردانی کرده است. «به روایت ناصر تقوایی» کتابی

است که احمد طالبی نژاد برای نخستین بار در دهه‌ی ۷۰

آن را منتشر کرد. در این کتاب، او به عنوان یک منتقد

سینما روبه‌روی ناصر تقوایی کارگردان و داستان‌نویس

نشسته تا به بررسی کار این هنرمند بپردازد. انتشار

ویرایش جدید این کتاب بهانه‌ای شد تا به گفت‌وگویی با

احمد طالبی نژاد بپردازیم.

است که فیلمساز حتی با فیلم‌نسختن هم، حضور پررنگی در جامعه‌ی سینمایی نداشته باشد. برخی‌ها که سالی یک فیلم می‌سازند، چه کلی به سر سینمای ایران زده‌اند؟

به عنوان کسی که سال‌ها منتقد است نقاط ضعف و قوت فیلم‌های تقوایی را چه می‌دانید؟

من در آثار او بیشتر قوت می‌بینم تا ضعف. ناخدا خورشید، به گمان من، یک کلاس درس است برای آموختن فیلم‌نامه‌نویسی، شخصیت‌پردازی، دیالوگ‌نویسی و میزانسن‌های سینمایی و حتی بازیگری.

آقای تقوایی گفته‌اند «ارزش فیلم سیاسی به صراحتش است». آیا شما سینمای تقوایی را بیشتر سیاسی می‌دانید یا اجتماعی؟ یعنی آن صراحتی که آقای تقوایی مدنظر دارد در فیلم‌هایی مثل «آرامش در حضور دیگران»، «دایی جسان ناپلئون» یا «ای ایران» وجود دارد؟

ساخته‌های تقوایی، هیچ‌کدام سیاسی نیستند. فیلم سیاسی یعنی اثری که درباره‌ی سیاست و سیاستمداران باشد. فیلم‌های او به سیاست بی‌ارتباط نیستند ولی سیاسی هم نیستند. اگر آن زمان اطلاعات

و

گفت‌وگو کردن با تقوایی و نظم دادن به صحبت‌هایش کار ساده‌ای نیست. اگر فکرمی کنید دارم بهانه‌می‌تراشم، لطفا ترتیب یک مصاحبه با او را بدهید. در مورد مستندهای او هم تاحدی که خودش مایل بوده، حرف زده‌ایم. اما فراموش نکنیم که آن سال‌ها تقوایی بیشتر با فیلم‌های سینمایی اش شناخته می‌شد. حال در این سال‌ها که او فیلم سینمایی نمی‌سازد، همه یادشان افتاده که او مستندساز هم بوده و هست

امروزی را می‌دانستم، حتما با او بحث می‌کردم و می‌گفتم که آرامش در حضور دیگران برخلاف نظر خودش، سیاسی نیست. او فیلمسازی است که به مسائل اجتماعی توجه دارد و البته در سرزمین ما، هر کس فیلم اجتماعی بسازد، از آن تعبیر سیاسی هم می‌آورند. به این دلیل که جامعه‌ی ما با سیاست آمیخته شده. برخی سینماگران هم بدشان نمی‌آید، به فیلم‌هایشان انگ سیاسی بودن بزنند. فیلم‌های تقوایی، حال و هوایی افشاگرانه دارند. مثل همه‌ی فیلم‌های اجتماعی دیگر در هر کجای جهان. اما فیلم سیاسی نیستند. در این سرزمین به مفهوم واقعی، نمی‌توان فیلم سیاسی ساخت، مگر اینکه در ستایش قدر موجود باشد. برای همین ما طی این سال‌ها حتی یک نمونه‌ی فیلم کامل سیاسی هم نداریم. گرچه برخی به سیاست هم ناخونک زده‌اند. ژانر سیاسی هم مثل دیگر ژانرها، اصول و قواعد خودش را دارد.

در جایی خواندم که گفته بودید اکثر سینماگران رابطه‌ی خوبی با شما ندارند، این مسئله به خاطر نقدهایی است که در مجلات و روزنامه‌ها می‌نویسید؟ یا دلایل دیگری دارد؟ اصولاً مسئله‌ی نقد در سینمای ایران را چگونه می‌بینید؟

نگفتم که همه‌ی سینماگران با من رابطه‌ی خوبی ندارند. برخی این طوری اند. دلایل هم سوءتفاهمی است که درباره‌ی نقد، در اذهان عمومی و حتی اذهان سینماگران خوب ما وجود دارد. برخی به جای منتقد، دنبال ستایشگرند. من آدم مغروری هستم و مرید کسی نمی‌شوم. چندی پیش ترانه‌ای شنیدم با صدای یک خواننده‌ی جوان که بین آواز، شعری هم با صدای احمدرضا احمدی عزیز دکلمه می‌شد. یک بیتش این بود «او سر سپرده می‌خواست، من دل سپرده

همه‌ی
حرف‌هایش
برایم درس بود

کمبودهای کتاب اعتراف کرده‌ام. اما این دلیل نمی‌شود که از اعترافات من بل بگیرند و بگویند کتاب چیزهایی کم دارد. به آنهایی که این حرف‌ها را می‌زنند، پیشنهاد می‌کنم بروند با تقوایی مصاحبه کنند. اما در آن مقطع و این مقطع، همین از دستم برمی‌آمده است. گفت‌وگو کردن با تقوایی و نظم دادن به صحبت‌هایش کار ساده‌ای نیست. اگر فکر می‌کنید دارم بهانه می‌تراشم، لطفا ترتیب یک مصاحبه با او را بدهید. در مورد مستندهای او هم تاحدی که خودش مایل بوده، حرف زده‌ایم. اما فراموش نکنیم که آن سال‌ها تقوایی بیشتر با فیلم‌های سینمایی اش شناخته می‌شد. حالا در این سال‌ها که او فیلم سینمایی نمی‌سازد، همه یادشان افتاده که او مستندساز هم بوده و هست. البته من مثل خوانندگان کتاب مایل بودم درباره‌ی سریال «دایی جان ناپلئون»، گفت‌وگویی مفصل‌تر می‌داشتیم ولی نشد دیگر. دلایلش را هم که گفتم. تقوایی مخالفتی نداشت. ولی وقت هم نداشت. قول می‌دهم در چاپ چهارم، بیشتر به این سریال جاودانه بپردازیم.

خودتان کدام بخش از کتاب را بیشتر دوست دارید؟ یا صحبت‌های آقای تقوایی را درباره‌ی کدام فیلمش کاملاً قبول داشتید؟

دوران تقریباً یک سال و نیمه‌ای که برای این کتاب با او بودم، همه‌ی لحظه‌هایش برایم کلاس درس بود. همه‌ی حرف‌هایش را در مورد همه‌ی فیلم‌هایش قبول دارم. حتی درباره‌ی «ای ایران» که این فیلم را خیلی هم دوست ندارم. اساساً تقوایی ذهن تحلیل‌گری دارد و می‌تواند درباره‌ی هر موضوعی از سیاست گرفته تا خرما، جنوب و جنگل‌های شمال، ساعت‌ها حرف بزند. اما برای اینکه ناامیدت نکنم، بخش مربوط به سریال ناکام کوچک جنگلی را بیش از دیگر بخش‌ها دوست دارم. خواندن این بخش را به ویژه به جوانان کم‌حوصله‌ی این زمانه که می‌خواهند به قول بازرس سریال دایی جان، زود، تند و سریع به آرزوهایشان برسند، توصیه می‌کنم.

به عنوان نویسنده‌ی این کتاب در یک نگاه کلی، آقای تقوایی و روند فیلمسازی ایشان را چگونه می‌بینید؟

تقوایی سینماگر برجسته و تاثیرگذاری بوده و دلایلش هم اینکه سال‌هاست فیلم‌نسخته و محبوبیت و موقعیتش در بین سینماگران و سینمادوستان محفوظ مانده. او در این کتاب اعتراف کرده که ممکن است به خودش آسیب رسانده باشد اما به سینما آسیبی نرسانده، چون فیلم بد نساخته. حتی «ای ایران» هم در قیاس با خیلی از فیلم‌های آن دوران، اثر ارزشمندی است. یک بار در جایی گفتم که این خیلی مهم

برای شروع تعریف کنید چه شد که بعد از تقریباً بیست سال دوباره این کتاب تجدید چاپ شد؟

طی سال‌هایی که از چاپ نخست کتاب گذشته، همواره مورد پرسش دوستداران تقوایی به ویژه جوان‌ها قرار می‌گرفتم که با توجه به نایاب بودن کتاب، چرا نسبت به چاپ دوم اقدام نمی‌کنم. من همیشه این آمادگی را داشتم که دستی به سر و روی کتاب بکشم و بفرستم برای چاپ دوم ولی با این شرط که گفت‌وگو با تقوایی ادامه پیدا کند و به فیلم‌های پس از «ای ایران» هم بپردازم. اما تلاش برای آماده کردن تقوایی، راه به جایی نمی‌برد. بارها قرار و مدار گذاشتم و اتفاقاً خود او هم مایل بود این اتفاق بیفتد اما نمی‌شد. حکایت قیصر و قیفر را که شنیده‌اید؟ کار ما هم این جور شد دیگر. یا او آماده نبود یا من گرفتار بودم یا... ولش کن. حکایتش طولانی و نگفتنی است. سال گذشته، با محسن آرم و بهرنگ کیانیان در نشر «چشمه» ملاقاتی داشتیم درباره‌ی یک کتاب دیگر که پیشنهاد چاپ دوم این کتاب را دادند و من هم پذیرفتم. ویرایش جدیدی روی متن انجام و گفت‌وگو با تقوایی درباره‌ی «کاغذ بی‌خط» هم به آن اضافه شد و توسط نشر «زاوش» رفت برای چاپ. حالا هم که چاپ سومش آماده‌ی توزیع شده است.

چه شد که آن سال‌ها رفتید سراغ آقای تقوایی و تصمیم گرفتید این کتاب را درباره‌ی او بنویسید؟

حکایتش مفصل است و من این ماجرا را به طور مفصل در کتاب خاطراتم که با نام «از شما چه پنهان» رفته است برای مجوز، توضیح داده‌ام. مختصرش اینکه تقوایی به گمان من و خیلی‌های دیگر، یکی از تاثیرگذارترین سینماگران ایرانی است و سیر کارنامه‌ی سینمایی اش برای جوانان سینمادوست که احتمالاً سینماگران آینده‌ی ما نیز خواهند بود، آموختنی‌های بسیاری دارد.

نگاه‌ها و نقدهایی که روی کتاب نوشته شده را چگونه دیده‌اید؟ آیا موافق کمبودهایی که بعضی به آن اشاره کرده‌اند و حضورش را در این کتاب لازم دانسته‌اند، هستید؟ به طور

مثال می‌گویند به مستندهای آقای

تقوایی خیلی پرداخت نشده، یا

مثلاً به «دایی جسان ناپلئون»

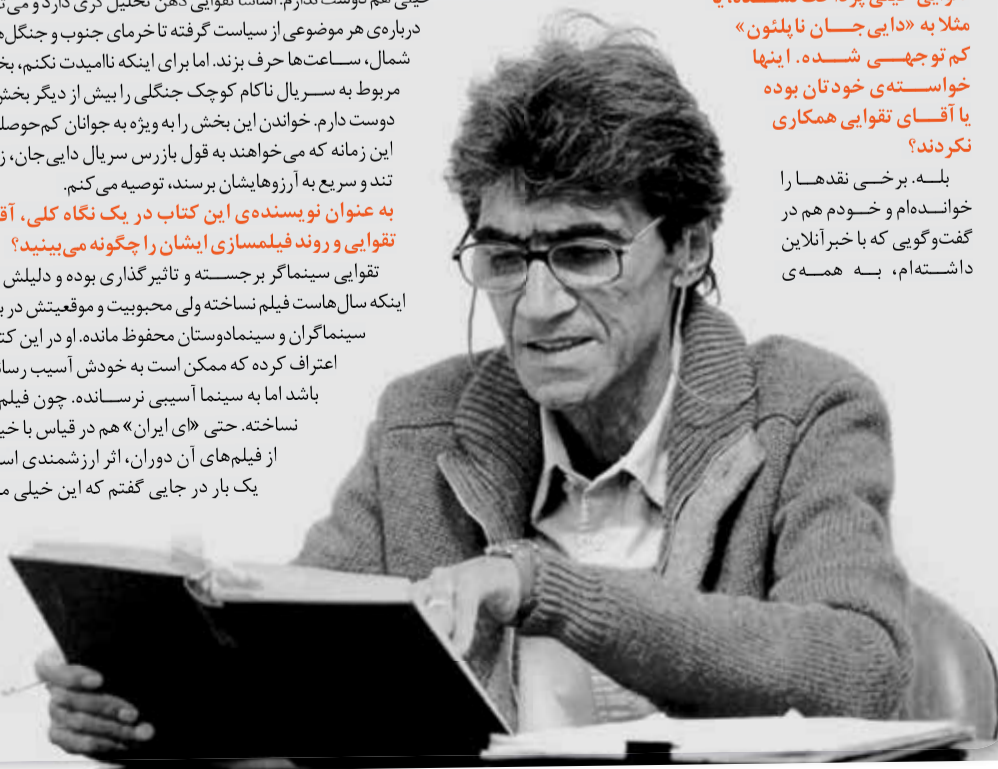
کم توجهی شده. اینها

خواستگی خودتان بوده

یا آقای تقوایی همکاری

نکردند؟

بله. برخی نقدها را خوانده‌ام و خودم هم در گفت‌وگویی که با خیرآنانین داشته‌ام، به همه‌ی



حرف که خیلی زیاد است بماند برای چاپ چهارم این کتاب که قطعاً همراه با گفت‌وگوی تازه‌ای با تقوایی خواهد بود و انتشار چهار کتاب دیگر که یکی‌اش مجوز گرفته و دو تاییش مدت‌هاست در دست بررسی‌اند و هنوز جوابی نگرفته‌ام و یکی هم در حال نگارش است که درباره‌اش چیزی نمی‌گویم. بماند برای فرصتی دیگر، شاید...

و در نهایت...

نه اینها شعار است. می‌دانی کاغذ چه قیمتی پیدا کرده؟ می‌دانی هزینه‌های چاپ و توزیع چقدر بالا رفته؟ اگر بخواهیم مجله‌ای با کیفیت «هفت» مرحوم در آوریم، دست کم باید ۱۵ هزار تومان قیمت داشته باشد تا خرج و دخل کند. مگر اینکه به سبب برخی نشریات، نصفش بشود آگهی‌نامه که به این راحتی‌ها نمی‌شود آگهی‌نان و ابدار پیدا کرد. خلاصه که روزگار غریبی است نازنین.